

## «طوفان الاقصی و آینده ای دیگر.» (2)

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

مقدمه: این روزها هرچه از غزه سخن بگوییم، کم است. آنجایی که حتی فرزند رزمندگان پدران‌شان را تشویق می‌کنند که محکم بایستند و اگر فلسطینیان اسلحه‌های خود را زمین بگذارند، عملاً سیطره اسرائیل را تأیید کرده‌اند. اسرائیلی که در این منطقه گذاشته شده است برای انقیاد کشورهای منطقه در سلطه جهان غرب تا مانع توسعه ملی کشورهای منطقه شود. در نظر به تاریخی که با طوفان الاقصی پیش آمده است، خوب است به موارد زیر توجه شود:

1- شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» نماد این تاریخ: امروز ما در حماسه طوفان الاقصی ناظر حضور تاریخی انقلاب اسلامی هستیم و در این رخداد، عزم و شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» را به عنوان نماد این تاریخ می‌نگریم. در نتیجه مرحله‌ای از حیات در مبارزان فلسطینی به ظهور آمده که حضرت امام را آینده آن حیات می‌یابند و به همین جهت نگران کمی امکانات نیستند. زیرا در حیاتی که با حضرت امام خمینی در این تاریخ شروع شده، فرهنگ پیروزی خون بر شمشیر به صحنه آمده است. مردم فلسطین از طریق حضرت امام و رهبر معظم انقلاب با حیاتی آشنا شدند که امثال یاسر عرفات و محمود عباس از آن غافل بودند و به همین جهت آنان از ادامه مبارزه ناامید شدند و تن به صلحی دادند که سخت تحقیرکننده و آزاردهنده بود.

از طریق انقلاب اسلامی به مردم فلسطین، پیروزی نشان داده شد و لذا امروز حماس و جهاد اسلامی خودشان نوعی از رهبری صحنه را به عهده دارند و رهبر معظم انقلاب در این رابطه بر پیشانی آنان که اینچنین هوشمندانه وارد صحنه شده‌اند، بوسه می‌زنند.

2- بی‌حاصلی تحریم و محاصره در مسیر مقاومت توحیدی: طوفان الاقصی ثابت کرد تحریم، محاصره و سرکوب مداوم غزه، سبب ضعف جبهه مقاومت نمی‌شود، بلکه به روحیه و عزم مقابله آنان با تجاوز افزوده می‌گردد. بنابراین عملیات طوفان الاقصی یک اقدام اساسی اولیه در موازنه نظامی و امنیتی میان دو طرف است و البته این گام لازم و نه کافی برای آزادی نهایی است. زیرا هنوز باید جهان، جایگاه اسرائیل را که انعکاس روح جهان‌خواری و نسل‌کشی غربیان است، بشناسد.

3- گذار از نظم جهانی کهنه: طوفان الاقصی، یک جنگ معمولی نیست. بلکه بخشی از تحولات مربوط به گذار از نظم جهانی کهنه به نظم عادلانه تر و متکثر تر است. طرف بازنده این تحولات که منطقه ای وسیع از تایوان در شرق آسیا تا اوکراین در شرق اروپا، و فلسطین و سوریه و لبنان در غرب آسیا را شامل می‌شود، جز آمریکا و اسرائیل و انگلیس نیست. به همین جهت نمی‌توان نسبت به آنچه بین فلسطین و اسرائیل می‌گذرد، بی‌تفاوت بود و از این‌که ما باید خود را در جهانی احساس کنیم که آن جهان در دل انقلاب اسلامی تا غزه گسترده شده است.

4- تغییر معادلات قدرت: به نظر می‌آید در رابطه با آنچه این روزها در جبهه مقاومت از طریق فلسطین پیش آمده خبر از آن می‌دهد که جهان دیگری در این تاریخ مقابل ما در حال ظهور است، جهانی که دیگر نه تنها جهان اسرائیل، بلکه جهان جریان استکباری، دیگر امکان ادامه خود را ندارد و عملاً معادلات قدرت در حال تغییر است و غرب، این نکته را به خوبی متوجه شده و بی‌حساب نیست که بایدن در سخنانی خود می‌گوید در مقطع حساسی

هستند که سرنوشت نسل‌های آینده را مربوط به مسائل امروزی می‌دانند که در غزه پیش آمده است.

**5- حضور در تاریخی که در حال حضور است:** باید از خود پرسید با توجه به آنچه جبهه مقاومت در این روزها در مقابل اسرائیل پیش آورده، ما در کجا ایستاده ایم؟ و خصوصیات و سابقه این حضور را تا کجا می‌دانیم؟ همچنان‌که ما باید نسبت به جبهه مقابل بیندیشیم که سابقه آن جبهه کجاست و تا کجا می‌تواند خود را ادامه دهد. در این حالت می‌توانیم متوجه شویم تاریخی در راستای ادامه انقلاب اسلامی در جهان اسلام در حال ظهور است و ما باید جایگاه خود را نسبت به این تاریخ معلوم کنیم تا در جهانی که جهان استکباری نیست، حاضر شویم.

**6- اصیل‌ترین اندیشه:** آیا متوجه هستیم، سنت‌های جاری در عالم که پایدارترین بنیادها و در عین حال، در دوردستها جای دارند؛ چه اندازه می‌تواند مبنای تفکر و تحلیل ما در تقابلی که در رخداد طوفان الاقصی پیش آمده است، باشد؟ این نوع توجه، اصیل‌ترین اندیشه را به میان می‌آورد.

**7- برکات درک سنت‌های الهی:** آیا در صحنه‌های تجاوزی بس سنگین که رژیم صهیونیستی در مقابل مردم فلسطین پیش آورده، به حق حیات برای مردم فلسطین در سنت الهی اندیشیده ایم؟ یا گمان می‌کنیم اسرائیل به جهت قدرتی که دارد، پیروزی را نیز صاحب می‌شود؟ کافی است متوجه حضور فعال سنت‌های الهی باشیم تا معنای آینده مردم مبارز فلسطین را فهم کنیم. این است بصیرتی که با درک سنت‌های جاری الهی برای انسان پیش می‌آید. امری که ما در کربلا آموختیم و ما امروز بعد از کربلا و با پیروزی‌های قابل احساس و لمس هستیم.

**8- معنای «به خود وا گذاشتگی»** آیا تا کنون از خود پرسیده ایم راز معجزه غیر قابل پیش‌بینی مقاومت

در چیست؟ در این مورد خوب است به جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی فکر کنیم، راهی که گشودگی آن در دل حضور در آن پیش می‌آید، در مقابل جبهه‌ای که تنها با محاسبات مادی آینده خود را پیش‌بینی و خود را معنا کرده است و روشن شد که این یعنی «به خود وا گذاشتگی» که عین بی‌ثمیری است.